

دانشمند فقید
دکتر محمد ابراهیم آیتی بیرجندی

روان‌شناسی

www.ketab.ir

و مناسبت‌های
محرم و صفر

به کوشش و تحقیق
مهدی انصاری قمی





سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

آیتی، محمدابراهیم، ۱۲۹۴ - ۱۳۴۳.

روایت عاشورا و مناسبت‌های (محرم و صفر) / محمدابراهیم آیتی بیرجندی؛ مقدمه علی اکبر غفاری؛ به کوشش مهدی انصاری قمی؛ [به سفارش] موسسه علمی پژوهشی شهید آیت الله انصاری قمی.

قم: کتابستان معرفت، ۱۳۹۶.

۷۹۸ ص.

978-600-8460-30-5

فیفا

کتاب حاضر شامل ۴۲ سخنرانی از سخنرانی‌هایی است که در سالهای

۱۳۴۲-۱۳۴۳ در رادیو ایراد شده است.

پیرایه تمام قبلی کتاب حاضر با عنوان "بررسی تاریخ عاشورا" و "بررسی تاریخ عاشورا" (مناسبت‌های محرم و صفر) منتشر شده است.

بررسی تاریخ عاشورا.

بررسی تاریخ عاشورا (مناسبت‌های محرم و صفر).

حسین بن علی (ع) - م، ۴ - ۶۱ ق.

Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625-680

عاشورا -- تاریخ

Tenth of Muharram -- History

عاشورا -- تاثیر

Tenth of Muharram -- Influence

عاشورا -- فلسفه

Tenth of Muharram -- Philosophy

غفاری، علی اکبر، ۱۳۰۳ - ۱۳۸۳، مقدمه نویس

انصاری قمی، مهدی، ۱۳۳۲ - ، گردآورنده

موسسه علمی پژوهشی آیت الله شهید اخوان انصاری قمی

۱۳۹۶ پ ۱۹/۵/۴۴ BP

۲۹۷/۹۵۳۴

۴۸۵۳۳۷۳



دانشمند فقید: دکتر محمد براهی ایتی بیرجندی
به کوشش و تحقیق مهدی انصاری قمی

ناشر: کتابستان

صفحه‌آرا: حسن خانی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۵-۳۰-۸۴۶۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۵۷۰۰۰ تومان



کتابستان مرکزی: قم، خیابان ارم، روبه‌روی پاساژ قدس، ساختمان کوثر.

تلفن: ۳۱۰۷۴-۲۵ همراه: ۹۱۲۶۳۶۶۹۶۲

کتابستان تهران: تهران، میدان شهداء، داخل ایستگاه مترو

تلفن: ۳۳۳۵۰۰۷۲

پایگاه اینترنتی: WWW.Ketabestan.ir

اینستاگرام: Ketabestan.ir

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات کتابستان محفوظ است

فهرست مطالب

۲۱	○ سخن نخست
۴۱	○ مقدمه
۴۱	نهضت سید الشهداء علیه السلام
۴۳	حکومت معاویه و مبارزه با اهل بیت علیهم السلام
۴۵	جهل جامعه اسلامی
۴۸	مبارزه با مستهای بنی امیه
۵۰	یزید، حکومت فحشاء
۵۳	معاویه و قتل عام بنی هاشم
۵۵	بیعت یزید
۵۷	سخنرانی معاویه در مکه
۵۹	امام و زمینه‌های قیام
۶۳	امر به معروف و نهی از منکر
۶۴	جهاد و خطر هلاکت
۶۷	سیدالشهداء علیه السلام و عاقبت کار
۷۰	امام و دعوت کوفیان
۷۱	شامیان و تبلیغات امویان
۷۴	زهیر بجلی و یاری امام
۷۵	آشوب بصره
۷۶	امام قصد حکومت نداشت
۷۷	مبارزه با زیارت امام
۸۰	قیام علویان
۸۳	● ۱/ پرافتخارترین فصل تاریخ اسلام
۸۴	زمینه قیام
۸۵	مرگ معاویه

۸۷	عدالت معاویه!
۸۷	شهادت عمار یاسر
۸۸	سخن یاوه معاویه
۸۹	ولا یتهدی یزید
۹۰	دیدار مروان با امام
۹۱	خروج امام از مدینه
۹۲	عراقان و جنگ معاویه
۹۳	احساسات تغییر پذیرند
۹۴	نامه کوفیان به امام
۹۵	پاسخ امام به کوفیان
۹۷	ابن زیاد و حکومت عراق
۹۸	آدمی با شرایط تغییر می‌کند
۹۸	کوفیان و امتحان بزرگ
۱۰۱	در جستجوی مسلم
۱۰۲	ملاقات با مسلم بن عوسجه
۱۰۲	جاسوس ابن زیاد
۱۰۳	ابن زیاد در خانه هانی
۱۰۳	قیام مسلم و فرار عبیدالله بن زیاد
۱۰۴	تغییر اوضاع اجتماعی کوفه
۱۰۶	مردم و شناخت حق و باطل
۱۰۶	فداکاری یاران واقعی
۱۰۷	دو یار بی‌وفا
۱۰۹	مسلم در راه شهادت
۱۱۱	۲/۲ انگیزه‌های قیامی‌ها
۱۱۴	علل قیام امام
۱۱۶	انحراف حکومت عثمان

۱۱۸	گرفتاریهای حکومت امیرالمؤمنین (ع)
۱۱۹	امام مجتبی (ع) و بن بستهای حکومت
۱۲۰	نامه امام به معاویه
۱۲۱	امام حسین (ع) و زمامداری معاویه
۱۲۱	معاویه قاتل مؤمنان
۱۲۴	شخصیت‌شناسی یزید
۱۲۶	چرا امام بیعت نکرد
۱۲۶	انحراف و شکست خلافت
۱۲۷	آشنایی با اهداف امام حسین (ع)
۱۲۹	کلیددار بتخانه دین
۱۳۰	تقاضای شهادت در راه
۱۳۲	قیام برای امر به معروف
۱۳۳	امام از شهادت سخن می‌گوید
۱۳۳	موقعیت سیاسی حرکت امام
۱۳۵	اعلان قیام امام
۱۳۷	۳/ شخصیت امام حسین (ع) از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)
۱۳۸	نهضت کربلا کانون نهضتها
۱۳۹	گفتگوی امام با مروان در مورد بیعت
۱۴۰	انحراف مسلمانان بدست امویان
۱۴۱	گفتگوی فرزددق با امام حسین (ع)
۱۴۲	هدف امام
۱۴۳	امام در هر صورت پیروز است
۱۴۵	امام کوفیان را توبیخ می‌کند
۱۴۸	امام و پایان کار
۱۴۹	امام به سوی عراق می‌رود
۱۵۱	انتقاد امام از شرایط ناگوار زمانه

- وضعیت نابسامان مسلمانان ۱۵۲
- دیدار امام با لشکر حر ۱۵۳
- خطبه امام برای لشکر کوفه ۱۵۴
- حز و مصلحت جویی برای امام ۱۵۵
- رهبران دوزخی ۱۵۶
- بنی امیه پیروان شیطان ۱۵۷
- قیام، نماز شب و شایسته امام بود ۱۵۷
- اثر روح سخنرانی امام ۱۵۹
- حز کوفیان را نصرت می کند ۱۶۰
- ۴/ ورود امام کربلا ۱۶۳
- نامه عمر سعد به ابن زیاد ۱۶۴
- پاسخ ابن زیاد ۱۶۵
- امان نامه ابن زیاد ۱۶۶
- فرمان ابن سعد به لشکر ۱۶۶
- تسلیم یا جنگ ۱۶۷
- خطبه شب عاشورا ۱۶۸
- فداکاری در راه امام ۱۷۰
- درس امام ۱۷۳
- شب عاشورا ۱۷۴
- شب عاشورای امام و یارانش ۱۷۵
- بامداد عاشورا ۱۷۵
- دعای امام ۱۷۶
- سخنرانی امام در برابر دشمن ۱۷۷
- شبت بن ربیع منافق چند چهره ۱۷۹
- تعداد شهیدان سپاه امام ۱۸۱
- هفتاد و دو شهید زنده ۱۸۲

۱۸۲	هدف ارزشمند قیام
۱۸۳	شهدای کربلا مردمانی با تقوی
۱۸۳	برداشت غلط از شهادت امام
۱۸۴	مردم و روح نهضت امام
۱۸۵	معنی پیامبر و امام
۱۸۶	رفتار به تقوا قبول شود
۱۸۷	۵/ جاودانگی، زعاشورا
۱۸۷	گزارش خالف عمومی
۱۸۹	چرا فاجعه کربلا فراموش نشد؟
۱۸۹	واقعۀ شهداء فخر
۱۹۰	هیچ شهیدی شهید کربلا نیست
۱۹۱	رفتار ناشایست دشمن
۱۹۱	هرزگی دشمن در حادثه کربلا
۱۹۳	سخنان جاودانگان کربلا
۱۹۵	حادثه کربلا بی شبیه ترین فصول تاریخ
۱۹۵	یزید و اشتباه بزرگ تاریخی
۱۹۶	سخنرانی امام سجاد در کوفه
۱۹۷	تاریخ صحیح عاشورا
۱۹۷	غارت خیمه ها
۱۹۸	بدن امام لگدکوب کینه ها
۱۹۸	پایمال بدنهای شهیدان
۲۰۰	هوشیاری اهل بیت (علیهم السلام) اسیر
۲۰۱	شهادت و افتخار
۲۰۲	امام سجاد (علیه السلام) اندیشه های خفته را بیدار ساخت
۲۰۳	موج اشک و آه مردم
۲۰۴	کوفیان هرگز کامروا نباشید

- ۲۰۵ امام سجاد علیه السلام در مجلس عمومی ابن زیاد
- ۲۰۶ پیروزی با کیست؟
- ۲۰۷ امام سجاد علیه السلام در میان مردم شام
- ۲۰۹ امام سجاد علیه السلام و مجلس یزید
- ۲۰۹ بهترین فرصت در شام
- ۲۱۰ خداوند به ما فضیلت‌ها بخشیده
- ۲۱۳ ۶/ با است اهل بیت علیهم السلام به مدینه
- ۲۱۴ تاریخ حرکت اهل بیت علیهم السلام از کوفه
- ۲۱۶ قیام کربلا موعود از حریف
- ۲۱۷ نامه پیامبر به نرسن حکوم
- ۲۱۸ امپراطور روم و ابوسفیان
- ۲۲۰ امپراطور روم و اعتراف به رسالت پیامبر خدا
- ۲۲۳ ۷/ امام محبوب دلهای مؤمنان
- ۲۲۳ نیک رفتاری دلها را تسخیر می‌کند
- ۲۲۴ امام حسین علیه السلام شخصیتی جاودانه
- ۲۲۵ مردم و تشخیص موضوع‌های مشابه
- ۲۲۵ تاریخ اشتباه نمی‌کند
- ۲۲۸ چرا تاریخ عاشورا فراموش شدنی نیست
- ۲۲۹ تحریف چهره تاریخی کربلا
- ۲۳۰ چرا دشمنان اهل بیت علیهم السلام از قدرت تاریخ ترسیدند
- ۲۳۱ تاریخ و نظارت بر ملت‌ها
- ۲۳۳ ۸/ نقش زنان در تاریخ عاشورا
- ۲۳۳ همسر زهیر بجلی
- ۲۳۵ همسر عبدالله کلیبی
- ۲۳۶ همسر امام
- ۲۳۷ مرثیه سرایی همسر امام حسین علیه السلام

۲۳۸	دشمن و تحریف تاریخ شهادت
۲۴۰	زنی فداکار از سپاه دشمن
۲۴۰	زینب علیها السلام دختر صبر و پایداری
۲۴۲	در مجلس ابن زیاد
۲۴۳	پاسخ دندان شکن به ابن زیاد
۲۴۴	در مجلس یزید
۲۴۵	زینب علیها السلام کت نمی‌کند
۲۴۷	● ۹/ مصراعت عاشورا
۲۴۸	ثبت تاریخی سوا می‌س
۲۴۹	تاریخ نیرومند و قوی تمنیست
۲۵۰	ابن زیاد و تحریف عاشورا
۲۵۱	یاوه‌گویی ابن زیاد
۲۵۱	قیام کربلا گواه قدرت و صراحت تاریخ است
۲۵۲	یزید بن ارقم در برابر ابن زیاد
۲۵۳	واقعیت تاریخ در سخنان زینب علیها السلام
۲۵۴	شهادت و اسارت، خواری نیست
۲۵۵	عدالت و انصاف کجاست؟
۲۵۶	بار خدایا، حق ما را بگیر
۲۵۷	خون ما از دست اینان می‌چکد
۲۵۹	● ۱۰/ فایده تاریخ چیست؟
۲۶۰	مردم و انتقاد از بدکاران
۲۶۱	بهره‌مندی از تاریخ گذشتگان
۲۶۲	سنت‌های خداوندی
۲۶۲	بندگان متافق صفت
۲۶۳	کفار مکه و دشمنی با رسول خدا صلی الله علیه و آله
۲۶۴	رفتار بد دامنگیر آدمی شود

- ۲۶۵ ستهای الهی در تمام امتهای یکی است
- ۲۶۵ پیروزی دشمن بر دوافتادگان از ایمان
- ۲۶۷ علی علیه السلام اصحاب خود را مغرور نمی کرد
- ۲۶۸ آثار ناگوار ترک جهاد
- ۲۶۹ قانون الهی
- ۲۷۲ ۱۱/ خرمشاه و ندی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۷۴ ایمان و عمل صالح
- ۲۷۵ واژه های عشق و ایمان
- ۲۷۶ صفای معرفت
- ۲۷۷ نافع بن هلال در برابر دشمن
- ۲۷۸ هفتاد و دو نفر کیانند
- ۲۷۹ سخنان اهل بیت هنگام اسیری
- ۲۸۰ زیبایی بهشت
- ۲۸۱ تاریخ بلند زن مسلمان
- ۲۸۱ فداکاری زنان یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۸۳ تربیت و هدایت های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۸۳ جنگ بدر ثمربخش بود
- ۲۸۵ اثر اسیران در روحیه دشمن
- ۲۸۷ ۱۲/ مقدمات هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۸۹ از تو دفاع خواهیم کرد
- ۲۸۹ بیعت انصار
- ۲۹۱ ورود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه
- ۲۹۱ روزهای تاریخی مدینه
- ۲۹۲ جنگ خندق
- ۲۹۳ بازگشت اسیران به مدینه
- ۲۹۳ خرسندی حاکم مدینه از شهادت امام

۲۹۵	ابن زیاد و رسوایی تاریخی او
۲۹۶	در دارالاماره مدینه
۲۹۶	انتقام خون عثمان
۲۹۷	بازگشت اهل بیت علیهم السلام به مدینه
۲۹۹	امام، خلافت اموی را رسوا کرد
۳۰۱	● ۱۳/ نشانه های پایانی حکومت یزید
۳۰۱	کودکی شجاع در برابر یزید
۳۰۳	مدینه را دگرا امام شهیدان
۳۰۵	خویشاوندان پیامبر
۳۰۷	رستگاری اوس و خنجر
۳۰۸	قحطانیان یمن و بیگانه ها
۳۰۹	بیعت مردم مدینه با پیامبر
۳۱۱	● ۱۴/ خطبه امام سجاد علیه السلام در شام
۳۱۲	فتح شهر دمشق
۳۱۳	ناآگاهی شامیان از اسلام
۳۱۴	ابوذر مردی با ایمان و شجاع
۳۱۴	حجر بن عدی جای ابوذر
۳۱۵	سوابق ننگین بنی امیه
۳۱۶	گوینده از خدا بی خبر
۳۱۷	ملاک رهبری در اسلام
۳۱۹	خواسته مردم مکه
۳۱۹	فضیلت اهل بیت علیهم السلام
۳۲۰	مهدی امت اسلام
۳۲۳	● ۱۵/ قلم تاریخ ثبت می کند
۳۲۴	تاریخ آینه رفتار انسان
۳۲۵	فراز و نشیب ملتها

- ۳۲۵ سخنرانی زینب در شام
- ۳۲۶ قدرت تاریخ
- ۳۲۷ ابراز پشیمانی یزید از واقعه عاشورا
- ۳۲۹ روزگار از آوردن مانند علی علیه السلام عقیم است
- ۳۲۹ سخنرانی امام سجاده علیه السلام
- ۳۳۱ بنی هاشم و افتخار فداکاری
- ۳۳۱ چهار نارینه تغییر نپذیرد
- ۳۳۳ ۱۶/فستین زانری
- ۳۳۴ عطیه همسفر جابر
- ۳۳۵ عطیه عاشق امیرمؤمنان علیه السلام
- ۳۳۶ یاران پیامبر و اهمیت به تن
- ۳۳۶ قرآن کتاب اندیشه
- ۳۳۸ وعده عذاب خداوند
- ۳۳۸ قرآن آیاتی برای بشریت
- ۳۴۰ درجات بهشت با آیات قرآن
- ۳۴۱ وظیفه مسلمانان در برابر قرآن
- ۳۴۳ ۱۷/اربعین از روزهای مقدس اسلامی
- ۳۴۴ دینداری و دین شناسی
- ۳۴۴ تاریخ اسلام و حرکت های خلاف دین
- ۳۴۵ تفکرات خطرناک دشمن دین
- ۳۴۶ عرضه فهم دینی بر امام
- ۳۴۸ صفوان جمال، راوی زیارت وارث و اربعین
- ۳۴۹ زیارت اربعین
- ۳۵۰ فهم دینی
- ۳۵۱ دین شناسی از پایه های خوشبختی
- ۳۵۱ پیامبران برای کشورگشایی مبعوث نشدند

۳۵۲	توجه پیامبر به تعلیم دینی مردم
۳۵۳	مسلمانی بدون نماز نشود
۳۵۵	● ۱۸/ جنگ عقل و جهل
۳۵۸	امتحان خدایی
۳۶۰	عمر سعد بدعاقت می شود
۳۶۶	فطرت مردم و تشخیص حق و باطل
۳۷۱	● ۱۹/ قدرت آیه یس حق و باطل
۳۷۴	پرده های گمراهی
۳۷۶	فرستادگان خداوند
۳۷۷	شبیث بن ربیع بدعاقت
۳۷۸	شب شهادت
۳۷۸	أم وهب و همسر و پسرش
۳۸۰	شهیدان آل همدان
۳۸۷	● ۲۰/ بیعت یزید و مبارزه با امامت راستین
۳۸۹	علم و قدرت
۳۹۰	علی (علیه السلام) رهبر عالم اسلام
۳۹۱	نامه سید الشهداء (علیه السلام) به معاویه
۳۹۲	ولا یتعهدی فاسق
۳۹۵	حبیب بن مظاهر اسدی
۴۰۰	شهدای قبیله بنی اسد
۴۰۳	● ۲۱/ تاریخ اسلام و مردان فداکار
۴۰۳	ابوذر صحابه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)
۴۰۶	ابی ذر تبعید می شود
۴۱۱	عبدالله و عبدالرحمان بن عروة غفاری
۴۱۲	جون بن حری غلام ابوذر
۴۱۳	غلامان شهید

- ۲۲/ امر به معروف و نهی از منکر ۴۱۹
- شرایط تبلیغ و موعظه ۴۲۰
- اولاد امام حسن علیه السلام در کربلا ۴۲۷
- امر به معروف و نهی از منکر ۴۳۲
- اصول دین ۴۳۳
- فروع دین ۴۳۴
- امر به معروف و نهی از منکر غلط ۴۳۵
- امر به معروف و نهی از منکر و اصول دین ۴۳۷
- عثمان و مبارز با امر به معروف و نهی از منکر ۴۳۹
- وجوب عقلی و نقلی امر به معروف و نهی از منکر ۴۴۱
- خداوند امر به معروف و نهی از منکر ۴۴۶
- خاتم الانبیاء امر به معروف و نهی از منکر ۴۴۹
- فرمان قرآن به امر به معروف و نهی از منکر ۴۵۰
- بهترین مردم؟ ۴۵۷
- ارکان ایمان ۴۵۹
- مقام امر به معروف و نهی از منکر ۴۶۲
- ۲۳/ شخصیت بنی هاشم در جاهلیت و اسلام ۴۶۵
- نامه حضرت علی علیه السلام در پاسخ معاویه ۴۶۵
- امام سجاد علیه السلام ۴۷۶
- امام سجاد علیه السلام در طواف کعبه ۴۷۷
- ۲۴/ تفسیر امامت به خلافت ۴۸۱
- خطبه فاطمه صغری (فاطمه بنت الحسین) ۴۸۸
- ۲۵/ قیام کربلا و بحران انحراف اجتماعی ۴۹۳
- بحران انحراف اجتماعی ۴۹۴
- انگیزه‌ی قیام سیدالشهداء علیه السلام ۴۹۵
- فرار عبدالله زبیر از مدینه ۴۹۶

۴۹۷	انحراف فکری مسلمانان
۴۹۸	نامه‌های مردم و امام
۴۹۹	حاکم اسلامی باید ملتزم به دین باشد
۵۰۰	خطبه امام در برابر سپاه عراق
۵۰۲	خطبه دوم امام در عراق
۵۰۴	حکومت یزید پیروی شیطان
۵۰۵	روز عاشورا و صلابت سیدالشهداء علیه السلام
۵۰۷	سخنرانی دیگر روز عاشورا
۵۰۸	هیئات منا الذلة
۵۱۱	مخالفت‌های مردم با حاکمان ستمکار
۵۱۲	قیام در برابر بنی امیه و بنی عباس
۵۱۴	هیچ قیامی نهضت کربلا نشد
۵۱۷	● ۲۶ / سفير امام حسين علیه السلام در کوفه
۵۱۸	مردان حق
۵۱۹	سنت الهی در نابودی ستمگران
۵۲۱	نبش مروانیان
۵۲۲	امام حسین علیه السلام کنار مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۵۲۴	وصیت‌نامه سیدالشهداء علیه السلام
۵۲۶	کوفیان و جهاد
۵۲۹	خروج مسلم از مکه
۵۳۳	● ۲۷ / حرکت امام حسین علیه السلام از مکه
۵۳۳	روزه ماه محرم
۵۳۵	محرم در دوران جاهلیت
۵۳۷	نامه امام به مردم کوفه
۵۳۸	زهیر بن قین همراه می‌شود
۵۴۰	شهادت مسلم علیه السلام

- ۵۴۲ جز در برابر امام
- ۵۴۴ سخنرانی امام
- ۵۴۵ توبه حزین یزید ریاحی
- ۵۴۷ ● ۲۸/ راه و رسم برادری در کربلا
- ۵۴۹ حقوق برادران مسلمان
- ۵۵۱ شهدای کربلا و رسم برادری
- ۵۵۲ نامه عرس به ابن زیاد
- ۵۵۳ نامه شمر به فرزندان ام‌البنین
- ۵۵۶ عباس بن علی علیه السلام و اسیر محکم
- ۵۶۱ ● ۲۹/ سخنان امام در روز عاشورا
- ۵۶۳ بشارت شهادت
- ۵۶۵ سربازان عقل و جهل
- ۵۷۱ شهیدان فرزند امام
- ۵۷۵ ● ۳۰/ بشارت‌های امام به یارانش
- ۵۷۵ معاد جسمانی
- ۵۷۷ قرآن مجید و معاد جسمانی
- ۵۷۹ سخن امیرمؤمنان و معاد
- ۵۸۲ حوادث پس از شهادت
- ۵۸۷ قصر کوفه و عبدالملک مروان
- ۵۹۱ ● ۳۱/ سبک‌الشهداء علیه السلام و روز عاشورا
- ۵۹۵ دعای صبح عاشورا
- ۵۹۷ شهیدان بنی‌هاشم
- ۵۹۸ شهیدان آل‌عقیل
- ۵۹۹ امام حسن علیه السلام و معاویه
- ۶۰۳ شهیدان آل‌جعفر طیار
- ۶۰۵ ● ۳۲/ شهدای آل‌حسن علیه السلام پس از کربلا

- ۳۳ / قیام زید بن علی علیه السلام پس از کربلا ۶۱۵
- شیعه زیدیه ۶۱۷
- قیام یحیی بن زید ۶۱۸
- سر مقدس امام در شام ۶۲۸
- ۳۴ / اربعین و سندیارت آن ۶۳۳
- علم تفسیر قرآن ۶۳۹
- ابن عباس و شب شهادت امام ۶۴۲
- جابر مصباح و روز اربعین ۶۴۵
- دو سند زیارت اربعین ۶۴۸
- ۳۵ / سیر امام حسن مجتبی علیه السلام ۶۵۱
- شخصیت امام مجتبی علیه السلام ۶۵۴
- امام مجتبی علیه السلام پس از شهادت امیر مومنان علیه السلام ۶۵۷
- امام مجتبی علیه السلام در برابر شیطان شام ۶۶۱
- شهادت امام مجتبی علیه السلام ۶۶۵
- ۳۶ / یخشندگی امام حسن مجتبی علیه السلام ۶۷۱
- رفتار حسنین علیه السلام ۶۷۲
- مرد شامی و امام مجتبی علیه السلام ۶۷۳
- غلام سیاه ۶۷۵
- امام حسن علیه السلام در سفر حج ۶۷۶
- امام مجتبی علیه السلام و مروان حکم ۶۷۷
- امام مجتبی علیه السلام و معاویه ۶۷۹
- معاویه و قتل صحابه پیامبر ۶۸۲
- معاویه و اندیشه قتل امام ۶۸۷
- ۳۷ / شخصیت و بزرگواری اخلاقی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۶۹۱
- قرآن و آیات اخلاق ۶۹۲
- فضایل اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۶۹۵

- ۳۸/سفرهای اخلاقی و رفتاری رسول خدا ﷺ ۷۰۵
- پیامبر نسخه‌ای از قرآن است ۷۰۸
- اخلاق عظیم ۷۱۱
- غلام شیفته پیامبر ﷺ ۷۱۵
- نشانه‌های دوستی پیامبر ﷺ ۷۱۷
- ۳۹/برخی معجزات پیامبر اعظم ﷺ ۷۲۱
- ایمان به پیامبر ﷺ ۷۲۲
- مردم و گمراهی ۷۲۵
- معجزه پیامبر ﷺ ۷۲۶
- ۴۰/رحلت پیامبر اعظم ﷺ ۷۳۵
- بیماری پیامبر ﷺ ۷۳۶
- توطئه عایشه و حفصه ۷۳۸
- وصیت پیامبر ﷺ ۷۳۹
- آخرین لحظات حیات پیامبر ﷺ ۷۴۱
- پیامبر ﷺ و فاطمه علیها السلام ۷۴۵
- ۴۱/قرآن، کنار و رفتار پیامبر اعظم ﷺ ۷۴۹
- مسئولیت پیامبر ﷺ ۷۵۲
- قرآن و سنت ۷۵۵
- قرآن، کتاب همه ۷۵۹
- قرآن، کتابی برای بشریت ۷۶۱
- درجات بهشت ۷۶۲
- قرآن بخوانید ۷۶۴
- روزگار فتنه‌ها و گرفتاری‌ها ۷۶۹
- ۴۲/هشتمین ستاره ولایت ۷۷۳
- کتابنامه ۷۹۱

سخن نخست

آشنایی با تاریخ، آگاهی از حوادث و رخداد‌های تلخ و شیرین گذشته، یکی از خواست‌ها و امیال آدمی است و به طور طبیعی هر انسانی در هر نقطه از جهان تمایل دارد از رویدادها و اخباری که در گذشته به وقوع پیوسته و یا در عصر خودش اتفاق می‌افتد و حائز اهمیت و فایده است، اطلاع پیدا کند.

هنوز برای همه‌ی بشر، تاریخ خلقت انسان، آدم نخستین، درگیری بین هابیل و قابیل، پیامبران و حوادث دوران زندگی آنها و قیام روح در کوفه کنار فرات عراق، و سرپیچی و عصیان مردم از فرمان دینی او، نفرین و طوفان از آسمان و زمین و غرق این خطه از دیار عرب تا حجاز، و تخلف فرزندان و نابودی او با سایر مردم در سیل کفر و الحاد و خداناشناسی و پیدایش نهضت توحیدی ابراهیم علیه السلام در برابر نمروذ حاکم و سلطان وقت، و به آتش کشیدن او و اخراج از عراق به شامات و فلسطین، و ازدواج با هاجر و ولادت اسماعیل و سفر به کویر حجاز و تأسیس کعبه پس از طوفان نوح، و ولادت اسحاق در بزرگسالی ابراهیم و سارا، و پیدایش بنی‌اسرائیل، یوسف و توطئه برادرانش، و حکایت شیطانی زلیخا و زنان دربار و ظهور پیامبری یوسف درستکار و صدیق، و قیام موسی و ایستادگی او در برابر فرعون، و خروج اسرائیلیان از مصر و خروش نیل و پیدایش سامری

و گوساله پرستی، و سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان تیه و مرگ موسی و هارون و نرسیدن به سرزمین مقدس فلسطین، و ظهور عیسی از مریم به فرمان خداوند و توطئه یهودا و یهودیان بر قتل و صلیب کشاندن او، و اوج و معراج عیسی علیه السلام و حوادث و رویدادهای این چند هزار ساله تا ظهور پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و تغییرات و گونه گونیهای دوران او و پس از ارتحالش تا پیدایش نفاق و خلافت، استخوان خنده در گلوئی امامت، تغییر زمان و به قدرت رسیدن جور و ستمکاران بنی امیه و بنی العباس، شهادت فاطمه علیها السلام و غربت و مظلومیت امیر مؤمنان، و مسمومیت امام مجتبی علیه السلام و فاجعه کربلای سیدالشهداء علیه السلام تا به امروز که امام دین و وارث همه انبیاء و در بهار آسمانی و قرآن ناطق در غیبت و هزاران هزار حادثه ناگوار، خونین، پیچیده، روشن نیست، و باید تاریخ را خواند و دانست تا آگاهی و اطلاع یافت، و مباد که کور و غافل و جاهل بودم از قافله بشر عقب ماند، یا سیاهی لشکر برای دشمن، آری که خاک و تاریخ و گذر زمانه و تغییر و تبدیل و تحول جهانی همه چیز را بر هم می ریزد، و به فراموشی می سپارد، ویران می سازد، خرد می کند، ریز ریز و قطعه قطعه، پودر و خاک می سازد و به نابودی می کشاند.

حتی تمدنهای بزرگ گذشته از ماد و عاد و حمود و سامانیان، هخامنشیان، ساسانیان، اشکانیان، فرعونیان، مغولان، و دیگران و دیگران حتی پس از تاریخ دین و دیانت، و سلسله های بزرگ گذشته بشریت و قدرتمندان پرنور و نور تاریخ که در برابر انبیاء و پیامبران ایستادند، کشتند و خونریزی ها کردند و پایه های حکومت های دنیای خود را قوی ساختند، همه به خاک و موزه تبدیل شدند.

حتی این سنت تغییرناپذیر خداوند و آفرینش، گریبان سلسله های جور و ستم پس از تاریخ اسلام را نیز فراگرفت و کاخ های تو در توی سبز رنگ امویان شام، و قصر گسترده معاویه و یزید و بنی امیه در دمشق و دیگر کاخهای سر به فلک کشیده و از سنگ تراشیده شده حکام واپسین امویان، و سپس عباسیان در بغداد، و مرو،

خراسان، و بین النهرین و ماوراءالنهر، حتی کاخهای شاهان ایرانی تبار هندوستان تا ایران و روم شرقی با آن همه کشورگشایی‌ها و جمع‌آوری قدرت و ثروت و یاران و سربازان، همه با طوفان‌های شن و خاک و باد و هوا و برف و باران رفته رفته در هم ریخت و جز تپه‌ای از جرم و جنایت و تاریخ سیاه، و مچاله شده چیزی باقی نگذارد. قرآن کریم نیز به مطالعه حوادث گذشته و تدبیر و اندیشه در احوال و آثار بجای مانده‌ی پیشینیان ترغیب نموده است و پیامبر را فرمان می‌دهد تا سرگذشت آنها را برای مردم بیان کند و می‌فرماید: «فَاقْصُصْ الْاَقْصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱، و فرمان داده، انسان سیر و مسافرت نماید تا آثار بجای مانده از اقوام گذشته و انسان‌هایی که پیش از خودش زیسته‌اند و دارای فرهنگ و رسوم و آداب و هنر و حتی عقاید گوناگون بوده‌اند از نزدیک دیده و مشاهده نماید.

البته آشنایی و اطلاع از رویدادها و حوادث گذشته از آن جهت که آگاهی و دانش است، برای انسان ارزش دارد، ولی از نظر قرآن آگاهی هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای تذکر و تنبه و بیداری شخص بیننده و خواننده است تا از آن عبرت بگیرد و برای او نقش اصلاح و سازندگی داشته باشد، از این جهت قرآن سرگذشت انبیاء و رویدادهای مهم اقوام گذشته را بیان می‌نماید و می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَانَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ»^۲.

تاریخ اسلام و رویدادهای مهم و قابل توجه عصر پیامبر ﷺ از جمله اموری است که سزاوار است مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا از حوادث صدر اسلام که خود از جذابترین رخدادها در عصر گذشته است اطلاعات مفید و مورد نیاز را به دست آورد.

بخصوص آنکه باید توجه داشت این رخدادها را از تاریخهای صحیح و درست و

تحلیلی و مستند به دست آورد، که متأسفانه بخش زیادی از تاریخ سیاسی، دینی، اجتماعی ادیان بویژه اسلام، فراوان مورد دستبرد دشمنان و خدشه‌های گسترده مخالفان پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته است.

این رسم تاریخ آفرینش و سنت دنیا است، که همه روزی به دنیا آیند و میدانی فراخ و گسترده یابند تا در آن ظهور و بروزی به نیکی و یا زشتی، به بزرگی یا به پستی، به ایمان یا به گناه تن در دهند و سپس روی برتابند و از جهان بروند. و با گذشت چند صباحی روزگار دیگران فرا رسد و آیندگان به فراموشی سپرده شوند. حتی آنان که در روزگار گرم و پرحرارت و آشوب کربلا به کشتن خانواده پیامبر علیهم‌السلام افتخار می‌کردند و پس از این حادثه نیز خانواده‌هایی در شام، با عناوین تازه‌ای همانند: بنو السرازم، بنو السرج و بنوسنان، و بنوالمکبری، و بنوالتطشی، و بنوالقضیبی، و بنوالدرجا و... معروف شدند.

اینان کسانی بودند که یا لباس امام علیه‌السلام را پس از شهادت ربودند و یا بر پیکر او اسب تاختند و برخی از تازندگان اسب، نعل اسب خود را به بهای بسیاری به مردم فروختند و مردم نادان و غافل از حقیقت امام و معنویت و فضیلت آسمانی اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام، نعل اسبان را بر سر در خانه خود می‌زدند و بدان افتخار می‌کردند، و یا فرزندان کسی بودند که نیزه‌ای را که سر امام بر آن بود حمل می‌کردند، یا فرزندان کسی بودند که پشت سر نیزه داری که سر مقدس امام را حرکت می‌داد تکبیر می‌گفت، و دیگران و اشباه و نظایر این قشر مردمان به ظاهر بشر و در باطن از حیوان پست‌تر نیز به حکم وضعی عملی و رفتاری دنیوی خود نابود شدند و اثری از ایشان باقی نماند.

حتی گور معاویه و یزید و فرزندان‌شان و امویان که بعدها به حکم همان رفتار ستمگرانه خود گرفتار آتش غضب عباسیان شدند و سوختند، و دیگر گورهای ایشان در مدینه و مکه و شام و خراسان و کاشان و ری و ماوراءالنهر و بین النهرین و کوفه

و بغداد نیز به خاک تبدیل شد و پس از ایشان نیز عباسیان به همان بدعاقبتی گرفتار آمدند تا ریشه کن شدند.

اما جای بسی شگفتی است، که مرقد آدم ابوالبشر، و نوح پیامبر و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام و بسیاری دیگر از همان سلسله صالحان و پاکان و بارگاه ملایک پاسبان خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و بقیع با تمام ویرانه گی و سنگ نشانش، نجف و کربلا و کاظمین و سامراء و قم و خراسان با تمام حوادث از دور تا امروز و تمام دشمنی ها، اسکوب ها و ویران کردن ها بر جای مانده و همچون مناره هایی بلند، صلا و صدا بر تاریخ و همه زمان ها دارد که «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه...»^۱ به خواست و اراده خداوند جاودانه مانده اند.

همه خاک شوند اما اینان پشیمه آب حیاتند، که خاک را حیات بخشند حیاتی ابدی و جاودانه، زوال برایشان و برپایی های ایشان راه ندارد، هر چند زیر سم اسبان لگدکوب شدند، اما برای همیشه در محفل مشعل فروزان، نور می بخشند و بشریت را از جهل و نادانی به راه راست و خداوند هدایت می کنند.

آری، حسین بن علی علیه السلام سیدالشهداء برای همیشه زنده است، چون برای خدا برخاست و کاری آسمانی انجام داد و چون از همه انشای خود گذشت، خداوند نیز به او آب حیات چشانید و بقای دیانت در جهان را بر سحر شهادت او قرار داد «الاسلام محمدی الوجود و حسینی البقاء».

حتی بقای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را که فرمود «و أنا من حسین» و ظهور من بی بشریت، نجات جهان از ستم و ظلم نیز در نسل امام حسین علیه السلام قرار داد که از خون شهادت برخاسته باشد و با ظهورش نهضتی حسینی کند و جهانی را از ستم اندیشی و ظلم بزرگ و کوچک نجات بخشد.

از اینروی درباره سیدالشهداء علیه السلام هر چه زمان می گذرد زنده تر جلوه می کند و

کتاب و نوشته و سخنرانی و تحقیق و بررسی جدید می‌طلبد. به خصوص زمانه و موقعیت و ایران اسلامی و آشوبهای فکری و اندیشه‌های بحرانی و موج کنونی و بحث و مباحثه‌های جهانی شدنی تفکر و اقتصاد و سیاست و دیانت و تحولات شگرف و روز به روز قرائتهای جدید دینی و غیر آن و جمع دیانت با سیاست یا تفریق آن از یکدیگر و تأسیس حکومتهای دنیا پسند و یا مردم سالاری، و یا دین سالاری، حتی تفکرات اباحه‌گری و تساهل و تسامح در همه چیز حتی در ارزشها و خلاصه سردرگمی امروزین انسان به اصطلاح متمدن قرن بیست و یکم می‌طلبد که راه جاودانگی را به خوبی مطالعه کنیم تا از حیرت و سردرگمی بیچاره کننده امروز جهان بدر آییم.

آری، راه حسین علیّه السلام، راه دگری است، با همه راهها متفاوت است، راه جاودانگی است، نزدیکترین راه به حقیقت و خداوند است، نه راه انقلاب و نه کوششی برای بدست آوردن قدرت، بلکه راهی برای برگشت به خود است، همان خودی که ذاتش از رب العالمین است و فطرتش خداجری و حقیقت طلب.

و امام در زمانه‌ای که همه به دنبال ساختن و ساز دنیای خود بودند، او برای دنیای پاک و دینی و ارزشهای آسمانی برخاست، و چهرهٔ زمانه حکام خونخوار اموی شام و مدینه را دگرگون ساخت و مردم خواب رفته به شک و شهوت خود چسبیده را صلا در داد که ای مردمان: «... إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا فُسَادًا وَلَا ظَالِمًا وَلَا ظَالِمَةً وَلَا ظَالِمَةً وَلَا ظَالِمَةً»^۱ انما خرجت لطلب الإصلاح في امة جدِّي محمد ﷺ أريد أن آمر بالمعروف و أنهي عن المنكر و أسير بسيرة جدِّي و أبي...»^۲

او به دنبال اصلاح مردم از فساد اجتماع و اندیشه و عقیده دینی و سیاست حکومتهای اموی بود، و تا جان در بدن داشت در راه اصلاح دین امت پایداری کرد و با عزت و افتخار به شهادت رسید. شهید راه عدالتخواهی، شهید راه نهی از منکر

و امر به معروف و شهید راه تشیع راستین و اسلام ناب واقعی که پس از ارتحال پیامبر همه ارکان آن، چه در احکام فقهی، سیاسی، اخلاقی، رفتاری، اقتصادی و... برهم ریخت و رفته رفته چیزی جز برگرفته از رنگ اسلام باقی نماند.

در واقع باید گفت حادثه کربلا از روز سقیفه آغاز شد، آنها که به نام شورای دینی مردم سالاری، و آزادی انتخاب بر خلاف صریح فرمان خدا و پیامبر ﷺ برای کسی که هیچ گونه شایستگی اداره امور اجتماع نداشت بیعت گرفتند و پس از مدتی توسط گروه حلیه دوم انتخاب او را اشتباهی بزرگ خواندند «بیعة ابی بکر فلتة وقی الله شرها»^۱ و به دستور وی به قتل رساندند و سیاست بدون انتخابات به حزب منافقین قدرتمندتر و فاسدتر از اولی رسید و در طول ۱۲ سال با ظاهری از فتوحات و کشورگشایی که نه به فرمان قرآن بود و نه خواست رسول الله ﷺ که قرآن پیامبر را «انّا ارسلناک شاکحاً مبسوراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً» خوانده و نه «فاتحاً للبلدان باذن» اما محبیت و مطلوبیت گسترش قدرت و تثبیت سیاست و اداره اجتماع بیش از واقعیت گرایی و حقیقت جویی و تربیت اجتماع و رهپویی از رسالت مورد توجه بود. همین دو پایه کژ سبب انحراف دیدگاههای سیاسی و تحریف از شریعت و رفتار پیامبر اسلام ﷺ گردید و حتی برخلاف مبنای شعارهای تو خالی شورایی، عثمان که از سر سلسله گان دشمنان سرسخت رسالت و دیانت و از ثروتمندان به نام مشرکان بود، بدون هیچ گونه رأی گیری قدرت را به دست گرفت و سالیان بسیار ناگواری ها را برای امت اسلامی ایجاد کرد، ناشایستگان فراوانی را به امارت های فراوانی گمارد.

جامعه اسلامی که می رفت با حکم زکات و خمس، رفتار و مواسات همگانی شود، با سیاست های ناروای اقتصادی عثمان، همه تدبیرهای رسالت بر هم ریخت، و تجمل پرستی و دنیا طلبی و افزون خواهی از دارالاماره به همه زوایای اجتماع

اسلامی اثر گذارد، و مسلمانانی که در ایام رسول الله ﷺ برای بقای دین و شناخت آن و حفظ قرآن و حراست از حریم اسلام فداکاری‌ها می‌کردند، در ایام خلیفه سوم در راه دنیا طلبی و گسترش تجملات زندگی و افزایش ثروت همه چیز را زیر پا گذارند، هر چند گروه‌های فراوانی از مردم معتقد به اندیشه‌های دینی، لب به اعتراض گشودند و کسانی هم چون ابوذر انتقادهای صریح به خلیفه می‌داشتند، اما جز تبعید زندان و شلاق نتیجه‌ای نمی‌دیدند. حتی امیرمؤمنان (علیه السلام) را نیز دو سه بار تقاضای خروج از مدینه کرد، و خلیفه حضور شخصیت او را سبب اعتراض‌های مردمی گمان می‌کرد، اما هر چند اعتراض‌ها رفته رفته سبب ناآرامی‌های فراوان و قتل عثمان گردید، اما توانست امیرمؤمنان (علیه السلام) را که جانشین حقیقی و وارث واقعی رسالت بود، پس از بیست و پنج سال سکوت مرگبار و خسته کننده به اجرای دوباره احکام اسلامی چنانکه در زمان پیامبر ﷺ جریان داشت موفق بدارد؛ زیرا ریشه‌های اندیشه‌ها و رفتارها و ارزش‌های بارزهای دینی اجتماع از حقیقت به قدری منحرف شده بود که راست و اصلاح آنها به این زودی‌ها ممکن نبود.

از همه انحراف‌ها گذشته، انتصاب ولایت شایسته در نقاط دور و نزدیک کشور بزرگ اسلامی مشکلات فراوانی را ایجاد کرد که تبدیل برخی از ایشان بدون دردسر نبود، به ویژه انتصاب معاویه که از زمان خلیفه دوم انجام شد، در زمان عثمان نیز مورد تأیید بود، توانست رفته رفته یکی از معضلات نظام اسلامی و حکومت علی (علیه السلام) شود و سبب جنگ‌ها و اختلاف‌ها و خونریزی‌های واپسین گردد.

در واقع معاویه توانست با قبول امارت شام که نقطه دوردستی از مرکز اسلامی مدینه بود، زمینه‌های دوری مردم شام را از اسلام ناب و اهل بیت (علیهم السلام) ایجاد کند و برای آینده خود و بنی‌امیه قوی‌ترین پایگاه و آماده‌ترین مردم دور از تعهد دینی لازم را در اختیار داشته باشد. بهم ریختگی جامعه اسلامی پس از اختلاف معاویه با امیرمؤمنان (علیه السلام) و نتایج ناگوار حکمت ابوموسی اشعری سبب سرخوردگی مردم از

جنگ و خلافت و سیاست و وحدت گردید. و زمینه بسیار مساعدی برای شهادت امیرمؤمنان (علیه السلام) و حتی امام مجتبی (علیه السلام) و به قدرت رسیدن معاویه و خاندان او و مطرح شدن ولایتعهدی یزید گردد.

این عوامل و علت‌های بسیار دیگر، عامل مهمی در قیام سیدالشهداء (علیه السلام) و بروز حادثه کربلا گردید و حتی کار به جایی رسید که اگر امام چنین اقدام عظیمی را انجام نمی‌داد، هم آثار اسلام و تلاش‌های ۲۳ ساله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نابود و اثری از قرآن و اسلام متعبد باقی نمی‌ماند.

از طرف دیگر خراج هم که با معاویه و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هر دو دشمنی داشتند، درباره معاویه که به سبب ترس سکوت می‌کردند ولی به امیرمؤمنان (علیه السلام) با صراحت لجاجت می‌دادند و او را کافر می‌خواندند و این خود کمک شایانی به قدرت معاویه و زاری می‌کرد و مبعوضیت فراوانی برای علی (علیه السلام) و شیعیان او فراهم می‌ساخت، حتی برر عاشورا که سیدالشهداء (علیه السلام) سبب کوفه آمدن خود را بیان داشت، و علت اجتماع به قتل خود را از شامیان و کوفیان پرسید گفتند: «بغضاً منّا لأبيک»^۱ چون پدرت را دشمن داریم.

به وضوح می‌رساند که امارت معاویه در یکی از درباریان نقاط کشور اسلامی، نه فقط سبب گردید که اسلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) شناخته نشود که اهل بیت (علیهم السلام) نیز به نام دشمنان اسلام و بنی‌امیه صحابه و از بزرگان مسلمانان شمرده شدند و چهره کریه و زشت و شرک‌آمیز آنان تا دهها سال و تا بیش از فاجعه کربلا، برای بسیاری از غافلان و ناآگاهان تا سده‌های بعد پوشیده ماند و حتی تا امروز که وهابیت نامسلمان وارث همان خونخوارگی و دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان اوست، چهره‌های این دشمنان قسم خورده اسلام و پیامبر را که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اللهم اللعن بنی امیه قاطبة»^۲ به عنوان خدمتگذاران اسلام معنی می‌کند.

و در این ایام که در پی انتشار این کتاب و نوشتن این سخن می‌باشم، روزنامه‌های کشورهای اسلامی در پی گزارشی از ترکیه نوشتند:

«پس از سالیانی دراز که شیعیان و امیرمؤمنان (ع) در آن کشور از اتهام برخوردار بودند و حتی برای دشمنی با اهل بیت خود را عثمانی می‌نامیدند، برای جلب علویان ترکیه، وزارت اوقاف و امور دینی برای اولین بار به ائمه جماعات مساجد طی بخشنامه‌ای دستور داد که در ایام شهادت امیرمؤمنان (ع) در مورد شخصیت و ایمان و حکومت آن امام سخن بگویند».

بنابراین نه فقط امام حسین (ع) که هر کسی دیگر نیز چنان شخصیت و جایگاه یا احساس مسئولیت در برابر خدا و اسلام و مردم همچون او داشت، نمی‌توانست ساکت بنشیند و نظاره‌گر حوادث شومی باشد که بر سر اسلام و مسلمانان می‌آید. و از آنجا که امام حدیثی را از پیامبر نقل می‌کرد که فرمود: «إذا ظهرت البدع و لعن آخر هذه الأمة أولها فمن كان عنده علم فلينشأ»^۱ و وظیفه خود می‌دانست که از طرف خدا به حفظ دین و امت اسلام از خطر سقوط حراست کند، از این رو در مدت سال‌ها پس از شهادت امام مجتبی (ع) آرام نبود و تا آنجا که می‌توانست ساکت نمی‌نشست و در این روزگار با معاویه نامه‌هایی رد و بدل می‌شد و اعتراض‌های فراوانی به معاویه می‌داشت و حتی مالی که از راه مدینه از یمن به شام برای معاویه برده می‌شد، به فرملی سیدالشهداء (ع) مصادره و بین بنی هاشم تقسیم کرد.^۲

به وضوح می‌رساند که امام در پی حرکتی سیاسی، دینی و انقلابی در عمق جان خفته جامعه اسلامی بود و گرنه چنین رفتاری را لازم نمی‌دید و در پاسخ نامه گله‌آمیز معاویه نوشت: «من ترك فبرد و مبارزه با تو را گناه و خود را در سکوت و عدم قیام بر علیه تو مسئول خداوند می‌دانم».

۲. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ج ۴، ص ۳۲۷.

۱. جامع الصغیر سیوطی: ج ۱، ص ۳۱.

بی‌تردید امام ضمن احساس مسئولیت در برابر طاغوتی همچون معاویه و یزید و بهم ریختگی اوضاع کشور اسلامی، در خروج خود برای ایجاد اصلاح دینی و بازگرداندن و یا هشیار سازی مردم به وظایف اسلامی و دوری از سیاستهای بنی‌امیه مأموریت الهی داشت، این وظیفه سنگین بر عهده امام حسین (ع) و دیگر امامان معصوم دین (ع) از روایات بسیاری همچون صحیحهای که در کافی از حران بن اعین شیبانی آمده که از امام باقر (ع) در مورد آنچه در زندگی امیرمؤمنان (ع) و حسنین (ع) از خروج و جهاد فی سبیل الله واقع شد و آنچه از کشته شدن به دست خونخواران و شکست‌هایی که پیش آمد تا بالاخره کشته و مغلوب گشتند می‌پرسد و امام می‌فرماید: «آنچه شد البته خداوند متعال برای ایشان مقدر کرده بود و آن را حکم حتمی ساخته بود و سپس اجرا کرد و قیام امامان، «فَبَقَدَّمَ عِلْمَ ذَلِكَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ» با سابقه علم و فرمانی بود که از رسول خدا (ص) به آنها رسیده بود و هر امامی هم به سکوت کرد از روی علم و دستور بود.^۱ روشن و آشکار است.

به هر گونه امام حسین (ع) نیک می‌دانست آن ابوسفیان با اساس اسلام و بقاء رسالت پیامبر (ص) مخالف است و برای خاموش کردن نور اسلام آنچه توانستند تلاش کردند، بر اساس همین اندیشه غیراسلامی، معاویه ابن شیطان بنی‌امیه، برای به بازی گرفتن خلافت و مردم بیش از خلفای عاصی گذشته، فرزند خود یزید که نه فقط از هیچ وجه شایستگی و لیاقت و برازندگی برای خلافت برخوردار نبود، که به زشت‌ترین رفتار و صفات آلوده و از معلمی غیرمسلمان برخوردار بود، به عنوان امیر آینده مسلمانان معرفی می‌کند. و اعلان ولایتعهدی یزید آشوبی در بلاد اسلامی برپا کرد و آنها که از ارزشی دینی و اجتماعی و سیاسی برخوردار بودند، صریحاً با این موضوع مخالفت کردند.

حتی در سفر معاویه به مدینه، یکی از معترضان پر سر و صدا، عایشه، همسر

رسول خدا ﷺ بود که صریحاً تنظیم ولایتعهدی، آن هم برای یزید را بزرگترین ناشایستگی برای اسلام و مسلمین خواند و مردم مدینه گفتند: «تَبَاعِ مَنْ يَلْعَبُ بِالْقُرُودِ وَالْكَلابِ وَيَشْرِبُ الْخَمْرَ وَيُظْهِرُ الْفُسُوقَ مَا حَجَّتْنَا عِنْدَ اللَّهِ»^۱ با کسی که میمون بالقرد و الکلاب و یشراب الخمر و یظهر الفسوق و فاسق و بلکه متظاهر به گناه است بیعت کنیم، چه پاسخی نزد خدا خواهیم داشت. و کسانی که از مدینه برای دیدن رفتار و کردار یزید به شام رفتند و در بازگشت گفتند: «قَدِمْنَا مِنْ عِنْدِ رَجُلٍ لَيْسَ لَهُ دِينٌ، يَشْرِبُ الْخَمْرَ وَيُعْزِزُ بِالطَّنَابِيرِ وَيَلْعَبُ بِالْكَلابِ»^۲ ما از نزد کسی آمده‌ایم که دین ندارد، و شراب می‌خورد و ساز می‌نوازد و سگ باز است. همچنین عبدالله پسر حنظله غسیل الملائکه می‌گفت: «إِنْ جَدُّ يَنْجَحِ الْأَمْهَاتِ وَالْبَنَاتِ وَالْأَخَوَاتِ وَيَشْرِبُ الْخَمْرَ وَيَدْعُ الصَّلَاةَ»^۳ یزید مردی است که مادر و خواهر و دختر خود را به نکاح می‌گیرد و شراب می‌خورد و نماز نمی‌خواند. و با یقین و دیگران از تاریخ نویسان، شرکت یزید را در فتح بلاد روم و عیاشیهای او را با معشقه‌اش در دیر مَرَّان و مبتلا شدن لشکریان به بیماری تب و آبله و بی تفاوت بودن او را در اشعار عاشقانه‌اش یاد کرده‌اند که گوید: مرا چه باک که تمام لشکر اسلام از رخص آبله و تب مردند در حالی که معشوق من در بر من است.

می‌توان به صراحت گفت: هیچ یک از اصحاب رسول خدا ﷺ و یا تابعین و مسلمانانی که فضای زمان رسول خدا ﷺ و حتی دوران حکومت‌های سیاسی پس از پیامبر را دیده بودند حاضر به بیعت با یزید نشدند، از این رو پس از مرگ معاویه، برای بیعت مردم مدینه به امام حسین (علیه السلام) و عبدالله زبیر و عبدالله عمر فشار آوردند که با تأیید ایشان دیگران نیز پیروی کنند.

از همین نقطه، جرقه خروج سیدالشهداء (علیه السلام) که منتظر مرگ معاویه و فرصت

۲. همان.

۱. تاریخ یعقوبی: ج ۲، ص ۳۷۰.

۳. همان.

مناسب بود زده شد و با این خروج بی سابقه، امام خواست مردم تمام بلاد اسلامی بدانند که با سرکار آمدن یزید، اسلام از بین خواهد رفت و اثری از آن باقی نخواهد ماند. چنان که مسلمانان دورهٔ حکومت سه ساله یزید را عملاً تجربه کردند و به عیان، سه حادثه بزرگ را در این دوره تاریک و سیاه و ظلمانی دیدند، که نخستین آن شهادت سیدالشهداء (علیه السلام) در فاجعه روز عاشورای سال ۶۱ هجری است، و دومین حادثه بی نظیر و ننگ آور صفحات تاریخ حکومت بنی امیه، یورش لشکر شام به مدینه و غارت آن و اباحه و تجاوز به زنان و دختران در مدت سه روز، حتی در حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که نتایج آن بنا به نوشته مؤرخان ولادت هزار مولود نامشروع در پایان ۱۱۰۰ هجری در مدینه بود، و سومین حرکت ضد اسلامی حکومت یزید، هجوم لشکریان شام به فرماندهی حصین بن نمیر به مکه و مسجد الحرام به بهانه قتل عبدالله ربیع و آس زدن مسجد و کعبه توسط منجنیق‌های لشکریان شام می‌باشد.

بی تردید امام می‌خواست با این حرکت ابد و قدرت و شوکت دولت بنی امیه را که با قتل و غارت و کشتار و زندان، مسلمانان را اکراه می‌پذیرفته شدن کرده بودند در هم بشکند و طرحی نجات‌بخش برای آزادگان از ظلم و جور بر سر اسیر جهان بشریت باشد و با این حرکت خونین، نارضایتی کامل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و خداوند پاک او را از رفتارهای نابخردانه و ناشایست و غیراسلامی خلیفگان پس از ارتحال پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تا ظهور حضرت ولی عصر ارواح العالمین لتراب المقدمه الفداء نشان داده باشد.

مجموعه ارزشمندی که در پیش دارید، حاوی چهل و دو سخنرانی محققانه استاد گرانقدر و دانشمند پر مایه و فضیلت رشته‌ی الهیات دانشگاه و حوزه علمیه و محقق عظیم الشأن تاریخ اسلام مرحوم حجة الاسلام و المسلمین فقید سعید مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی بیرجندی «رحمة الله علیه» می‌باشد که در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ شمسی ایراد شده است.

مؤلف پژوهشگر و محقق

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد ابراهیم آیتی فرزند شیخ محمد قائمی، از نویسندگان و محققان فرهیخته و بنام، و از واعظان و خطیبان دانشمند خراسان و ایران در سال ۱۲۹۴ ه. ش، در «گازار» از توابع بیرجند در خانواده‌ای روحانی دنیا آمد. خاندان او یکی از خاندان‌های فرهنگی و دینی با نفوذ در جنوب خراسان است که عالمان بزرگی هم چون آیت الله شیخ محمدباقر آیتی و دیگرانی... از این سلسله برخاسته‌اند. مرحوم آیتی پس از ورود به حوزه علوم دینی بیرجند، از محضر بزرگانی مانند حاج شیخ محمدباقر آیتی، حاج شیخ محمدحسین آیتی، شیخ غلامرضا فاضل، حاج شیخ محمدعلی ربانی و ملا محمد دهکی، کسب دانش و فضیلت کرد. در سال ۱۳۱۲ به حوزه علمیه باقریه مشهد وارد شد توانست از شخصیت‌هایی مانند میرزا حسین فقیه سبزواری، میرزا مهدی اصفهانی، شیخ هاشم قزوینی و ادیب نیشابوری با ادبیات قرآنی و عربی و حدیث و فلسفه قدیم آشنا شود، همچنین در ایام تعطیلی حوزه، درس‌های ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و امثال آنها را فراگرفت. و از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۲۹ شمسی در همان‌جا به وعظ و تدریس پرداخت، سپس به تهران آمد و از نخستین روحانیونی است که با افزون بر تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۰ از رشته معقول دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به اخذ درجه دکترا بایل آمد و رفته رفته با محیط ادبی و علمی تهران آشنایی یافت و به تدریس در دانشگاه پرداخت. دکتر آیتی از دانشمندان ذی فتونی بود که در دانشهای مختلف صاحب رأی و نظر و اندیشه خاص بود و در برخی سرآمد بود.

ادیب نیشابوری، دانشمند بزرگ ادبیات عرب، دکتر آیتی را از صاحب نظران ادبیات عرب در تاریخ معاصر خوانده است. همچنین در علوم عقلی تبخّر فراوان داشت. و رساله دکترای او درباره (مقولات عشر) گویای عمق علمی اوست.

مرحوم دکتر محمود شهابی، منطق‌دان پرتوان و مشهور ایران، دکتر آیتی را استادی مجرب در علم منطق می‌دانست و از رساله مقولاتی در منطق دکتر آیتی بسیار تمجید می‌کرد.^۱

از همه مهمتر، آنکه آیتی محقق پژوهشگر و برجسته و بی‌نظیری در شناخت تاریخ صدر اسلام بود و ترجمه‌ها و نوشته‌های مهمی در این موضوع، مانند: ترجمه تاریخ یعقوبی و ترجمه البلدان یعقوبی و تاریخ سیاسی پیامبر اسلام^۲ از او به یادگار مانده است.

استاد شهید مرتضی مطهری می‌نویسد: به جرئت می‌توان گفت در همه کشور کسی نیست که به تاریخ صدر ساله اول اسلام مانند آیتی احاطه داشته باشد و سخن او در مورد هر گوشه از تاریخ اسلام صد است.^۳

دکتر آیتی از علم تفسیر نیز بی‌بهره نبود و به مدت ده سال جلسات هفتگی تفسیر داشته، و تصحیح تفسیر لاهیجی در سال ۱۳۴۰ از نتایج این جلسات است، البته تصمیم به نگارش تفسیری تاریخی داشت که توفیق نیافت، که می‌توانست نکات فراوانی را در شأن نزول آیات بیان کند و به نظر می‌رسد جای چنین تفسیری در این زمان خالی است.

نباید نادیده گرفت شخصیت مختلف علمی دکتر آیتی افزون بر تخصص در دانش‌های گوناگون، به زبان انگلیسی و عربی نیز در سطح عالی تسلط داشت و از هر دو زبان ترجمه‌های بسیار ارزنده‌ای دارد.

دکتر آیتی در دهه چهل از مبلغان مشهور و تأثیرگذار ایران بود و سخنرانیهای او از رادیو که در آن زمان جدیدترین و مدرن‌ترین وسیله ارتباط جمعی بود که مورد

۱. گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگ ایران، ابوالحسن آیتی: ص ۱۵.

۲. این کتاب با تعلیقات و اضافات دکتر ابوالقاسم گرجی و کوشش، مهدی انصاری قمی، توسط انتشارات امام عصر

- قم منتشر گردیده است. ۳. مجموعه آثار مرتضی مطهری: ج ۲۵، ص ۳۴۳.

استقبال فراوان قرار می‌گرفت. و نقش تأثیرگذاری در احیا و تقویت روحیه دینی و مذهبی مردم ایران ایفا کرد.

از ارزشمندی‌های بزرگ دکتر آیتی آنکه، پس از جنگ جهانی دوم، نهضت عالمانی بیدار در کشورهای اسلامی بر ضد موج دین ستیزی آغاز می‌گردد، دکتر آیتی همراه شهید مطهری، دکتر بهشتی و مرحوم طالقانی در امر تجدید حیات هویت اسلامی جوانان در تهران، قدم‌های گسترده‌ای برداشتند و امثال جلسات انجمن اسلامی مهندسان و جلسات ماهانه دینی و... و انتشار کتابهای مذهبی و منشأ تأسیس «مرکز انتشار» گردید.

آری، امید اصلی دانش به تحقیق به این بود که آن وجود گرانقدر سالهای دراز بماند و با نشر آثار ماندگار علمی، جامعه اسلامی و ایرانی را از ثمره تحقیقات و مطالعات خود مستفیض سازد، اما مرئی زودرس بر او روی آورد و دانش اندوزان آثار خود و دانش جویان مجلس درس را متروک ساخت.

دکتر آیتی با هزار افسوس در نیمه مهر ماه موافق با ۳ جمادی الثانی ۱۳۸۴ هـ.ق، در حالی که ۴۹ سال از زندگی پر بار علمی گذشت و برای درس تفسیر به سمت شمیران می‌رفت در سانحه تصادف اتومبیل، قلب این استاد عالیقدر آسیب دید و به رحمت ایزدی پیوست و جامعه علمی حوزه و دانشگاه را به اندک خود مبتلا ساخت. دانشمند محترم و محقق ارزشمند احیای میراث بزرگان اسلام، و نخستین ناشر همین اثر مرحوم جناب آقای علی اکبر غفاری (ره) می‌نویسد: مرحوم دکتر آیتی، حجت و آیتی برای دیگران بود. از ابتدای عمر تا روزی که از دنیا رفت، همیشه همچون سربازی وظیفه‌شناس و فداکار و از خود گذشته در جبهه مسئولیتش، انجام وظیفه می‌کرد. مردی دانشمند، با تقوی، دور از هوی، پر اطلاع، متبحر و با حقیقت بود، و سعه علم و میزان تبحرش از آثار پرقیمت او آشکار است. همه عمر با کمال اخلاص مشغول خدمت به دین و علم بود و از جمله کسانی بود که می‌توان او را مشمول آیه

مبارکه «الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لایخشون أحداً الا الله» دانست. آقای ایرج افشار محقق عالیقدر در مقاله‌ای تحت عنوان «وفات دکتر محمد ابراهیم آیتی» در مجله راهنمای کتاب می‌نویسد:

دکتر محمد ابراهیم آیتی نمونه‌ای کامل از مردان راه خدا و برگزیده‌ای از مردم پرهیزگار روزگار ما بود، آیتی، انسانی وارسته و سلیم النفس، بسیار صبور و سلیم، کم گوی و گزیدم گوی، به حقیقت از دوران با کمال راستین در عهدی بود که از این خصایص صفات نمونه‌های بسیار دیده نمی‌شود.

در تحقیق و تجسس علمی مردی دقیق و جویا بود، مزیت او در کارهای علمی بر این بود که علم قدیم را با دقت حدید، آن چنان که پسند طباع ابناء روزگار باشد جمع داشت و نیک دریافته بود که جامعة علمی کنونی چه حاجت و نیازی دارد و چگونه باید در عرضه کردن مسائل قدیم قدم برداشت. نمونه کامل اثر او که بدین شیوه تدریس شده رساله اجتهادی دکترای او را به نام «متولات»، (بحثی از منطق) باید نام برد. که با توجه به اصول بجاگفتن و به اندازه گفتن و به زبان روشن گفتن و مبتنی بر مآخذ قدیم و کتب اروپایی تدوین کرده و افسوس که به روزگار نرسید تا حسن اثر چنین اثر عالمانه‌ای را به چشم خویش بنگرد.

در طول سال‌های پرتلاش علمی خود به تألیف و تحفیل و ترجمه کتابهای ارزشمندی دست یافت که تا امروز از جایگاه بلندی برخوردار است.

۱. سرمایه سخن (مجموعه هشتاد مقاله در مناسبت‌های مذهبی سال، تهران، اداره اوقاف، ۱۳۳۹).

۲. فهرست ابواب و فصول اسفار، یادنامه ملاصدرا، ۱۳۴۰.

۳. آئینه اسلام، ترجمه، شرکت انتشار، ۱۳۳۹.

۴. افکار جاوید محمد رسول الله ﷺ پیامبر اسلام، ترجمه از انگلیسی، محمدی، ۱۳۳۵.

۵. آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.

۶. گفتار عاشورا، (با همکاری جمعی از نویسندگان)، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۴۱.
 ۷. تاریخ یعقوبی، ترجمه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲.
 ۸. البلدان، یعقوبی، ترجمه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
 ۹. جهان در قرن بیستم، ترجمه از انگلیسی، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۴۲.
 ۱۰. تصحیح تفسیر شریف لاهیجی، (ج ۳ و ۴) تهران، اداره کل اوقاف، ۱۳۴۰.
 ۱۱. تصحیح و تهیج مثنوی، مقامات الابرار، تهران، ۱۳۳۷.
 ۱۲. مرجع و روحانیت، (با همکاری چند تن)، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۴۱.
 ۱۳. گفتار ماه، (با همکاری آیةالله طالقانی و استاد مطهری، و دکتر بهشتی و دیگران) در انجمن ماهانه دینی از نیم ماه ۳۹ تا اسفند ۱۳۴۱، کتابخانه صدوق.
 ۱۴. تاریخ سیاسی پیامبر اسلام ﷺ، با تحقیق دانشمند محترم دکتر ابوالقاسم گرجی و به کوشش مهدی انصاری قمی، نشر امام (عج) قم، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
 ۱۵. شهدای اسلام در عصر جاهلیت، عربی، میرچایی.
 ۱۶. خطبه‌های رسول اکرم ﷺ، عربی.
 ۱۷. بررسی تاریخ عاشورا، که به کوشش مهدی انصاری و با مقدمه تحقیقی دانشمند محترم مرحوم آقای علی اکبر غفاری در سال ۱۳۴۷ شمسی انتشار یافته است.
- این جانب که سالها تاریخ اسلام و امامت و موضوع کربلا و قیام سیدالشهداء (ع) را از دیدگاههای متفاوت مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دادم و نظریات مختلفی را مطالعه کردم، و می‌توانست مرا از عمق حادثه عاشورا و ریشه‌ها و علت‌های پیشین یا تأثیرات واپسین آن بر جامعه اسلامی و تشکیلات خلافت، بریده‌گی امت از شریعت، سیاسی شدن حکومت اسلامی و بسیاری از تحلیل‌های دیگر آگاهی بخشد.
- از این رو به مطالعه این موضوع مهم تاریخی، اسلامی، دینی، سیاسی، اجتماعی از سال‌ها پیش پرداختم، و از بیشتر نویسندگان، عرب، ایرانی، مستشرقین، شیعه و سنی، کتابهای تاریخی و امثال آنها بهره‌های فراوان بردم، در این میان یکی از

مجموعه‌های ارزشمند و مفید و تاریخی، تحلیلی، اخلاقی را که برای همگان مفید یافتیم، و خواندن آن را برای جوانان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت سفارش می‌کنم، همین کتاب پرقیمت و پر ارزش **روایت عاشورا** و مناسبت‌های محرم و صفر می‌باشد. از این رو با الهام از روح بلند آن استاد گرانقدر که همیشه مورد تکریم و احترام و تقدیر و طلب رضوان و رحمت بر او بوده‌ام، به تنظیم موضوعهای محتویات کتاب (بررسی تاریخ...) و جمع‌آوری مقالات دیگر مناسبت‌های مذهبی محرم و صفر و فهرست‌سازی و ویراستاری متن و تیرگذاری و استخراج منابع آیات و احادیث آن در حد توان پرداختم.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر از تلاش‌های مجدّانه خانم حسن‌خانی در آماده‌سازی این کتاب بر مؤسسه انتشاراتی کتابستان معرفت، این کتاب نفیس را به ساحت اقدس سیدالشهداء علیه السلام به جانشان در راه او و شیفتگان عاشورایش تقدیم می‌کنم، امیدوارم که خداوند متعال روح پراتّوح استاد مرحوم را از بهره انتشار این مجموعه به پاداش جزیل و ما را از ثواب جریش محروم نفرماید.

مهدی انصاری قمی

محرم ۱۳۹۶